

## سدهشکنان...

گفتگو با رویا بهشتی زواره، شادی رستمی، مریم میرزاخانی و الهام یآوری  
برگزیدگان المپیادهای ریاضی و کامپیوتر

زینب اژه‌ای

جمهوری اسلامی ایران در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ شاهد موفقیت چشمگیر دانش‌آموزان تیمهای ملی المپیادهای علمی ریاضی، فیزیک، کامپیوتر و شیمی بود. آنچه شادی ملت ایران را افزون نمود موفقیت دانش‌آموزان دختری بود که برای اولین بار در سطح جهانی درخشیدند. حضور شش دانش‌آموز دختر در تیم‌های ماقبل نهایی ملی ایران و کسب یک مدال طلا، یک مدال نقره، یک مدال برنز و یک دیپلم افتخار موفقیت بزرگی برای دانش‌آموزان دختر ایران محسوب می‌گردد. در این گفتگو با چهار تن از این عزیزان بیشتر آشنا می‌شویم. ضمن یادآوری این مطلب که تلاش برای دریافت پاسخهای نفر پنجم از این مجموعه تا موقع تدوین این گزارش بی‌نتیجه ماند.

**رویا بهشتی زواره:** در اولین کنکور ورودی اصفهان همراه با خواهر دوقلو و برادر بزرگترش پذیرفته شد و از بدو گزینش به تهران منتقل و در مرکز «فرزانگان تهران» مشغول تحصیل گردید. یک خواهر کوچکتر نیز دارد. مادر مدرک فوق لیسانس برنامه‌ریزی آموزشی و پدر فوق لیسانس برق دارد. او در سی و پنجمین المپیاد بین‌المللی ریاضی که در شهر هنگ‌کنگ برگزار شد در حالیکه در سال سوم دبیرستان تحصیل می‌نمود موفق به کسب مدال نقره گردید.

**شادی رستمی:** در سال چهارم ریاضی - فیزیک مرکز «فرزانگان تهران» درشش المپیاد کامپیوتر که در کشور سوئد برگزار شد موفق به کسب مدال برنز گردید. او یک برادر بزرگتر دارد. مدرک تحصیلی مادر او دیپلم و پدرش لیسانس ریاضی است. رشته انتخابی او «مهندسی نرم‌افزار» در دانشگاه صنعتی شریف تهران است.

**مریم میرزاخانی:** در سال سوم دبیرستان موفق به کسب اولین مدال طلا برای دانش‌آموزان دختر ایران در سی و پنجمین المپیاد ریاضی گردید. سال تحصیلی جدید را همانند سالهای قبل در مرکز «فرزانگان تهران» می‌گذراند. یک برادر و یک خواهر بزرگتر و یک برادر کوچکتر از خود دارد. مادرش دیپلمه و خانه‌دار و پدرش مهندس برق و دانشجوی دوره دکترا است.

**الهام یآوری:** از مرکز آموزشی «فرزانگان امین اصفهان» در مرحله کشوری المپیاد کامپیوتر موفق به کسب مدال طلا گردید و با نیم امتیاز کمتر از عضویت در تیم ملی محروم شد، ۴ خواهر و برادر دارد و فرزند ارشد خانواده است. مادر او دیپلمه و خانه‌دار و پدرش سرهنگ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی می‌باشد. رشته انتخابی او «مهندسی نرم‌افزار» در دانشگاه صنعتی شریف تهران است.



**سمپاد: چه چیز باعث شرکت شما در المپیاد شد؟**

بهشتی - من از اوایل دوره راهنمایی درس ریاضی را به بقیه دروس ترجیح می‌دادم، ولی علاقه‌مندی من مربوط به زمان خاصی نمی‌شود، از همان موقع علاقه به خواندن کتابهای غیردرسی داشتم و چون دیدم افرادی که می‌توانند در المپیاد شرکت کنند ثبت‌نام کردند، من هم شرکت کردم، دلیل خاصی نداشت.

میرزاخانی - همه دانش‌آموزان سالهای سوم و چهارم دبیرستان در رشته ریاضی - فیزیک در صورتیکه نمرات دروس ریاضی‌شان از حد تعیین شده بالاتر باشد می‌توانند در المپیاد ریاضی شرکت کنند. من خودم از قبل ریاضی کار می‌کردم و ریاضی برایم شیرین و جذاب بود. از سال اول دبیرستان با المپیاد آشنا شدم. در سال دوم به کمک خانم حائری‌زاده (مدیر مرکز)

من و رویا موفق شدیم در المپیاد ریاضی شرکت کنیم در آن سال در مرحله اول انتخاب شدیم ولی در مرحله بعد قبول نشدیم. در سال سوم دبیرستان نیز در المپیاد ریاضی شرکت کردم و قبول شدم.

رستمی - من از اول به ریاضی علاقه داشتم و ریاضی علاقه اصلی من بود، در مدرسه طرح کاد کامپیوتر داشتیم و آنجا با کامپیوتر آشنا شدم و مثل بقیه در المپیاد کامپیوتر شرکت کردم و قبول شدم.

یاوری - برای من از همان ابتدای تحصیل شیرینی‌هایی که در ریاضی وجود داشت، بخصوص جنبه ابتکار و خلاقیت و زایش و آفرینشی که در ریاضیات هست، خیلی جالب بود و زیبایی و بارز بودن علوم ریاضی که کمتر در علوم دیگر وجود دارد برایم جذاب و دلپذیر بود. برایم المپیاد به عنوان هدف اصلی مطرح نبود. ریاضیات را خیلی دوست داشتم و ریاضی کار می‌کردم. طبعاً وقتی دیدم مسابقه‌ای بین دانش‌آموزان هست و دانش‌آموزان مطرح و موفق‌تری از ایران در این مسابقه شرکت می‌کنند برایم جالب بود که خودم را آزمایش کنم.

سمیاد: خانواده تا چه اندازه در موفقیت شما تأثیر داشتند؟

بهشتی - من فکر می‌کنم موفقیت‌هایم را بعد از توکل به خدا که عامل روحیه و اعتماد به نفس من بوده است مدیون خانواده‌ام هستم. خانواده‌ام نسبت به درس خواهرها و برادرم خیلی اهمیت می‌دادند و در درجه اول برای آنها درس بوده است و همینطور محیط مناسبی را بوجود آوردند تا ما بتوانیم درس بخوانیم. در زمینه المپیاد هم به من خیلی روحیه می‌دادند. مخصوصاً مادر، خواهر و برادرم مرا بسیار تشویق می‌کردند. در دوره المپیاد به من می‌گفتند که سفت و سخت دنبال کنم و حرفهای برادر بزرگترم و خواهر همسرم نیز بسیار مؤثر بود.

رستمی - انسان همیشه موفقیت خود را مدیون خانواده‌اش است، چون بیشتر از همه با آنها سر و کار دارد و آنها بیش از همه برای او زحمت می‌کشند و اگر خانواده همراهی نکنند انسان نمی‌تواند به موفقیت دست پیدا کند. پدر و مادر من سعی می‌کردند که خانه برای من مناسب و محیط آن آرام باشد، با کمک و تشویق به من سعی داشتند تا به علاقه خود دست پیدا کنم. زیرا پیدا کردن علاقه بسیار مهم است که آنها در این زمینه به من کمک کردند.

یاوری - خانواده و مدرسه هر دو نقش مؤثری در شکوفایی استعداد ریاضی من داشتند همیشه مشوق من بودند که ریاضی را جدی‌تر دنبال کنم، البته خانواده من بیشتر مایل بودند که در رشته تجربی تحصیل کنم بنابراین چندان علاقه‌مند به شرکت من در المپیاد نبودند ولی بعد از اینکه توانستم برای آنها توجیه کنم که در ریاضیات دنبال چه چیزی هستم و کدام قسمت از ریاضیات برایم جذاب است و وقتی علاقه من به ریاضی را یک علاقه بی‌هدف و کور و بی‌منطق ندیدند و المپیاد را یک مرجع صحیح برای پرورش استعداد من پیدا کردند آنها نیز مرا تشویق کردند. ولی در مراحل اولیه تقریباً تنها بودم.

میرزاخانی - در مورد موفقیت‌های هر فرد، خانواده و محیطی که در آن زندگی می‌کند مهم است. من هم موفقیتم را، البته اگر بشود اسم آن را موفقیت گذاشت، مدیون خانواده‌ام هستم. هم بخاطر اهمیتی که به علم و تحصیل بچه‌هایشان می‌دهند و هم بخاطر محیط مناسبی که در خانه برای درس خواندن داشتم و فضای خوبی که می‌توانستم اشکالاتم را رفع کنم.

سمیاد: مدرسه چه نقشی را در علاقه‌مند شدن شما به شرکت در المپیاد داشت؟

یاوری - من جزء دانش‌آموزان اولین سال ورودی سازمان در اصفهان هستم. بنابراین دانش‌آموزان بزرگتری نبودند که حیثاً ما بتوانیم از آنها در مورد شرکت در المپیاد الگو بگیریم. متأسفانه در اصفهان المپیاد و همینطور کار سوکها (workshop) بخصوص برای دخترها خیلی کم‌رنگ مطرح بود و به جز اخبار موفقیت‌های دانش‌آموزان تهرانی که اغلب پسرها بودند، المپیاد در اصفهان بازتاب چندانی نداشت. دبیر خوبی داشتیم که ایشان اولین فکر شرکت بچه‌ها در المپیاد را مطرح کردند و بعد هم بچه‌های علاقه‌مند به المپیاد ادامه دادند، بچه‌های خوب دیگری هم بودند که فکر می‌کنم اگر کار را جدی‌تر می‌گرفتند و به اهمیت آن واقف بودند، موفقیت‌های بیشتری پیدا می‌کردند.

بهشتی - مدرسه خیلی مؤثر بود. با وجود معلمهای بسیار خوب، مخصوصاً معلمان ریاضی که ما را بسیار تشویق می کردند، از طرف دیگر جو کلاسمان علمی بود و حضور بچه‌ها نیز بسیار مؤثر بود. در اینجا وظیفه خودم می دانم که از همه معلمان مدرسه و مدیران تشکر کنم.

میرزاخانی - مدرسه نقش مهمی در علاقه‌مند شدن بچه‌ها به هر رشته‌ای را دارد، بخصوص در مورد ریاضی که معلمها و نحوه تدریس آنها و همینطور تشویقهایی که می کنند در جذب شدن بچه‌ها به ریاضی مؤثر است، ما معلمان خیلی خوبی در مدرسه داشتیم که هم تشویقمان می کردند و اگر راهنمایی می خواستیم تا حد امکان ما را راهنمایی می کردند و من از معلمانم در دوره راهنمایی و دبیرستان بخصوص خانمها سعیدی و زندی نژاد و آقای نیوشا تشکر می کنم.

رستمی - کلاس ما کلاس بسیار خوبی بود و حداقل آن این بود که هر کس بچه‌ها را می دید علاقه‌مند می شد. دوستانم نیز در موفقیت‌های من تأثیر داشتند. مدرسه نیز تا حد توان امکانات لازم را در اختیار، می گذاشت و مدیران خانم حائری زاده تلاش می کردند که ما هر چه لازم داریم در اختیار داشته باشیم معلمان ریاضی ما هم ما را بسیار تشویق و راهنمایی می کردند.

سمپاد: آیا پیش بینی می کردید که در مرحله کشوری موفق به کسب مدال طلا شوید؟

بهشتی - نه چون من به آنصورت برای ریاضی کار نکرده بودم، بیشتر وقتم را برای کامپیوتر گذاشته بودم و کامپیوتر کار می کردم. احتمال می دادم که در کامپیوتر قبول شوم ولی ریاضی را چون کار نکرده بودم در مرحله دوم به قصد قبولی شرکت نکردم و انتظار این نتیجه را هم نداشتم. البته فکر نمی کنم کسی اطمینان به قبولی خودش داشته باشد. چون شرایط سر جلسه و یک مقداری شانس هم مهم است.

رستمی - من ناامید نبودم که قبول نمی شوم ولی آنقدرها هم احتمال قبولی نمی دادم.

یاوری - سالهای قبل دانش آموزان دختر در مرحله کشوری موفقیت چندانی نداشتند. من سال گذشته در مرحله ماقبل نهایی المپیاد فیزیک شرکت کردم و با جوی که دیدم احساس کردم که فاصله زیادی بین دانش آموزان دختر و پسر وجود دارد. البته همان سال خانم فرزانه رتبه آوردند و ثابت کردند که خانمها هم می توانند موفق باشند ولی جو مناسبی برای بقیه نبود. علی‌رغم اینکه همه اظهار می کردند که علاقه‌مند هستند دانش آموزان دختر موفق شوند ولی امکاناتی که من می دیدم به صورتی بود که احساس می کردم روی خانمها حساب چندانی باز نمی شود. اما وقتی با دانش آموزان پسر در اصفهان خودم را مقایسه می کردم خود را هم سطح آنها می دیدم و امیدوار بودم، ولی صددرصد فکر نمی کردم که قبول شوم.

میرزاخانی - در مرحله کشوری به آن صورت احتمال نمی دادم که قبول شوم. البته من سعی خودم را کردم که تا حد توان امتحان را خوب بدهم. به خاطر اینکه با بچه‌هایی که سالهای گذشته قبول شده بودند در ارتباط نبودم که ببینم آنها در چه سطحی هستند فکر می کردم کسانی که قبول می شوند باید خیلی بهتر باشند لذ خیلی احتمال قبولی را نمی دادم.

سمپاد: در مورد اینکه در تیم حضور پیدا کنید چطور؟

بهشتی - در این مورد بیشتر احتمال می دادم چون تعداد کم بود و تنها ۱۰ نفر بودیم و مرتب با یکدیگر در ارتباط بودیم و معلوم بود که هر کس تا چه اندازه اطلاعات دارد. ولی باز هم امتحان نهایی برای ما سرنوشت ساز بود و تأثیر اصلی را در انتخاب ما می گذاشت و از این نظر باز هم تردید وجود داشت.

میرزاخانی - در مورد حضور در تیم احتمال می دادم که قبول شوم، البته نه صددرصد. ولی خیلی برایم مهم نبود که در تیم باشم.

رستمی - ما هشت نفر بودیم و چهار نفر را انتخاب می کردند. رقابت خیلی فشرده‌ای داشتیم و تقریباً ۳۰ امتحان دادیم و تمام این امتحانات در انتخاب ما مؤثر بود. البته یک امتحان اصلی هم بود و به خاطر رقابت سنگین فکر نمی کنم کسانی که قبول نشدند چیزی کمتر از بقیه داشتند. احتمال می دادم ولی صددرصد مطمئن نبودم.

سمپاد: قبل از اینکه در المپیاد موفق شوید آیا فکر می‌کردید که عدم حضور دانش‌آموزان دختر به خاطر حذف آنهاست یا اینکه...؟

یاوری- حتماً شما هم شایعات فراوانی را که می‌گویند شنیده‌اید من هم شنیده بودم ولی ناباورانه برخورد می‌کردم. فکر نمی‌کردم که واقعاً در نظام جمهوری اسلامی که همه چیز آن بر پایه عدالت است و امیدوارم که بر پایه عدالت باشد و در نظامی که واقعاً می‌بینیم تمام تلاش مسئولین برای بالا بردن سطح علمی دخترهاست چنین چیزی باشد. بهشتی - من این را شنیده بودم و ما از یکی از استادان دانشگاه صنعتی شریف که از ایشان منابع می‌گرفتیم پرسیدیم. ولی ایشان گفتند که اصلاً اینطور نیست و همه مایل هستند که دخترها موفق شوند.

میرزاخانی - البته شنیده بودم ولی در این مورد نظر بخصوصی نداشتم. چون نه با مسئولان برخورد کرده بودم و نه با دانش‌آموزان دختری که در المپیاد شرکت کرده بودند. بعداً که با چند تن از اساتید صحبت کردیم متوجه شدیم که اینطور نیست و خود شرکت‌کنندگان امتیاز لازم را کسب نکرده بودند. رستمی - نه اصلاً. بعد از سال سوم که مرحله اول المپیاد ریاضی قبول شدم دیدم اینطور نیست و اگر دخترها بخواهند می‌توانند نمره کسب کنند.

سمپاد: خوب است قبل از هر چیز در مورد برگزاری مسابقات جهانی توضیحاتی بدهید.

بهشتی - امتحان ما طی دو روز متوالی برگزار شد که در هر روز سه سوال می‌دادند و هر سوال ۷ نمره داشت که در مجموع ۴۲ نمره می‌شد و در هر روز چهار ساعت و نیم زمان امتحان طول می‌کشید. زمینه سؤالات جبر و آنالیز، هندسه و نظریه اعداد و چند سؤال که جنبه عمومی داشتند. مشکلی که ما داشتیم این بود که سؤالات نسبت به آنچه در اردوی المپیاد کار کرده بودیم خیلی آسانتر بود. اصولاً هندسه ایران معروف است و معمولاً ما ایرانیها در هندسه قوی هستیم. در صورتی که آنجا یک سؤال بسیار آسان برای هندسه داده بودند و کشورهایی که برای ما مسلم بود که هندسه‌شان ضعیف است همگی نمره کامل آورده بودند و ما از نظر سؤالات بخصوص هندسه بدشانسی آوردیم. اگر تعداد سؤالهای هندسه بیشتر بود و یا سؤال سخت‌تری می‌دادند قطعاً رتبه تیمی ما بهتر می‌شد.

میرزاخانی - بعد از هر قسمت که امتحان آن گرفته می‌شد هیأت مصححین و سرپرستان گروهها سؤالات را تصحیح می‌کردند. فکر نمی‌کنم که هیچ کدام از سؤالات برای بچه‌ها سخت بود و اینطور نبود که ما در سؤالی مشکل پیدا کنیم. چون سؤالات از آنچه که ما تمرین کرده بودیم راحتتر بود. در سالهای گذشته امتیازی که بچه‌های تیم ایران داشتند این بود که نمره سؤال هندسه‌شان از بقیه بهتر بوده است. این برتری در هندسه را ما آنقدر در رشته‌های دیگر مثل جبر و آنالیز نسبت به کشورهای دیگر نداریم. البته من فکر می‌کنم همه بچه‌های تیم می‌توانستند مدال طلا بگیرند، ولی شرایط فرد بخصوص در جایی که دانش‌آموزان از کشورهای دیگر نیز حضور دارند بسیار مهم است.

رستمی - المپیاد کامپیوتر در دو روز برگزار می‌شد و هر روز سه سؤال داشت که ۵ ساعت در روز برای جواب دادن به سؤالات وقت داشتیم. ما برنامه را می‌نوشتیم و روی کامپیوتر تایپ می‌کردیم. برنامه‌ها را یکسری تستها چک می‌کردند و اگر برنامه به آنها پاسخ می‌داد نمره کامل می‌گرفتیم ولی اگر حتی به نصف آنها هم جواب می‌داد نمره نمی‌دادند و یک بی‌دقتی کوچک کافی بود که امتیاز فرد را پایین ببرد. یک مشکلی که ما داشتیم این بود که زمان اجرای برنامه بسیار کم بود، یعنی اکثر برنامه‌ها در ۳۰ ثانیه باید جواب می‌داد و یک برنامه هم در ۹۰ ثانیه و طرز مسائل با سالهای گذشته بسیار متفاوت بود، سالهای گذشته بیشتر الگوریتم می‌خواستند ولی امسال روی تکنیک کار کرده بودند و مهم این بود که چه کسی می‌تواند برنامه را بهتر «بهبود سازی» کند. چون برنامه‌ها را یک برنامه کامپیوتری دیگر تصحیح می‌کرد، مرحله تصحیح وقت کمی می‌گرفت. البته ما خیلی بی‌دقتی کردیم و نمره‌های زیادی را به همین دلیل از دست دادیم و از طرف دیگر مسائل آنطور که ما کار کرده بودیم

نمود. چون کامپیوتر بسیار سریع پیشرفت می‌کند به همان نسبت سؤالات المپیاد هم عوض می‌شود و در نتیجه این موضوع که ما باید روی چه مبحثی بیشتر کار کنیم برایمان مبهم بود.

**سمپاد: تعداد دختران شرکت‌کننده در المپیاد چند نفر بود؟**

بهشتی - کلاً چهارصد نفر در المپیاد ریاضی شرکت کرده بودند که از این تعداد حدود ۲۵ نفر دختر بودند. تعداد نفرات تیم حداکثر ۶ نفر بود و بالاترین تعداد دختران هر تیم ۲ نفر که تیم ایران حداکثر تعداد دختران را داشت. کشورهای دیگری که دختر در تیمشان بود: ایران، آلمان، روسیه، اندونزی که ۲ دختر محجبه داشتند، انگلستان، مجارستان، اتریش، لیتوانی، بوسنی و ترینیدادتوباگو بودند. بهترین امتیاز جمعی دختران را تیم ما گرفت هر ۲ دختر تیم ما و تیم روسیه مدال گرفتند، در تیم روسیه هر ۲ دختر مدال نقره گرفتند و در تیم ما یک مدال طلا و یک مدال نقره کسب کردند.

رستمی - تعداد شرکت‌کننده‌ها در المپیاد کامپیوتر ۱۸۹ نفر بود که ۹ شرکت‌کننده دختر در بین آنها بود. دخترها از کشورهای ایران، اسلواکی، ترینیدادتوباگو، ترکیه، ویتنام و از کشور ایتالیا و هلند هر کدام ۲ نفر بودند.

**سمپاد: سطح علمی دختران شرکت‌کننده چطور بود؟**

بهشتی - از ۲۵ نفر شرکت‌کننده دختر در المپیاد ریاضی ۱۰ نفر مدال گرفتند و مدالهای خوبی هم نسبت به نتیجه پسرها کسب کردند.

میرزاخانی - از بین دخترانی که مدال گرفتند ۳ نفر مدال طلا کسب کردند ۲ نفر از اتریش و انگلستان با امتیاز ۴۲ و من با امتیاز ۴۱.

**سمپاد: می‌توانستید ۴۲ امتیاز را کسب کنید؟**

میرزاخانی - خوب توانستن که می‌توانستم. البته نمره‌ای که کم کردند حقم بود. در جایی از مسئله راه‌حل را اشتباه رفته بودم و فکر می‌کردم درست است. وقتی از جلسه بیرون آمدم تقریباً اطمینان داشتم که ۴۲ امتیاز را می‌گیرم که بعداً متوجه اشتباهم شدم. نمره ۴۱ که هر دو طلای تیم ما کسب کردند بالاترین امتیازی بود که تاکنون دانش‌آموزان ایرانی بدست آورده بودند. رستمی - از کل ۹ نفر دختر المپیاد کامپیوتر ۳ نفر مدال گرفتند که یک نقره و ۲ برنز بود.

**سمپاد: وقتی نتایج را اعلام کردند چه احساسی داشتید؟**

بهشتی - ما نتیجه را می‌دانستیم چون خیلی تدریجی نتیجه را اعلام می‌کردند. سالن بزرگی بود و نتیجه هر تیم را روی دیوار نصب می‌کردند و روز قبل از اختتامیه می‌دانستیم چه مدالی می‌گیریم. در ضمن چون بچه‌هایی که مدالهای یکسان می‌گرفتند در یکجا می‌نشستند هیچ هیجانی نداشت و احساس خاصی نداشتم.

رستمی - ما تا لحظه آخر نمی‌دانستیم چه مدالی می‌آوریم. حتی شب قبل از روز اختتامیه که هیأت ژوری با سرپرستان تیم‌ها جلسه داشتند نمودار مدالها را از جاهایی بریده بودند که هیچکس نمی‌توانست حدس بزند هر کس چه مدالی می‌آورد. من وقتی دیدم که موفق شده‌ام بسیار خوشحال شدم. نحوه دادن مدالها به این صورت بود که اول مدال برنز را می‌دادند بعد نقره و بعد طلا. یکی از بچه‌های تیم (آقای فولادگر) که رفتند مدال بگیرند ما شک داشتیم که اولین نفر نقره است یا آخرین نفر طلا. چون امتیازات پایین‌تر را اول می‌دادند ما فقط دعا می‌کردیم که اسم او را نخوانند. البته تعداد کسانی را که نقره گرفتند می‌دانستیم و از رتبه پایین شمارش معکوس می‌کردیم که ایشان اولین نفر نقره بودند و رفتند مدالشان را گرفتند.

میرزاخانی - بخاطر اینکه هم امتیاز و هم مدال را می‌دانستم هیچ احساس خاصی نداشتم. فکر می‌کنم اگر یکبار نتیجه‌ها را اعلام می‌کردند هیجان بیشتری داشت.

**سمپاد: نظر شرکت‌کننده‌های دیگر در مورد حضور شما چه بود؟**

رستمی - در آن بین من تنها دختر مسلمان بودم. خیلی عجیب و غریب با من برخورد نمی‌کردند و با بقیه راحت ارتباط برقرار کردم بخصوص با دختران کشورهای دیگر. ولی وقتی مدال گرفتم خیلی تعجب کردند و خیلی به من تبریک گفتند.

میرزاخانی - اینکه ما با پوشش اسلامی رفته بودیم بعلت حضور دختران محجبه از اندونزی و احتمالاً کشورهای اسلامی دیگر در سالهای گذشته چندان برایشان عجیب نبود. البته من مطمئن هستم که آنها هیچ حساسی روی ما نمی کردند چون دختران، بخصوص دختران کشورهایی مثل اندونزی نمره خوبی نمی آورند و تا بحال مدالی نیز نگرفته اند. بیشتر به ما به این چشم که برای وقت گذرانی آمده ایم نگاه می کردند، نه اینکه برای کسب نمرات خوب و مدال. البته این ذهنیت تا هنگام اهداء مدالها ادامه داشت و وقتی که برای دریافت مدال طلا به جایگاه رفتم احساس کردم که همه شوکه شدند بخصوص اینکه با کسی که مدالها را می داد دست ندادیم. از طرف دیگر، اینکه ما از ایران شرکت کردیم برایشان عجیب بود. درست یادم هست که یک پسر اتریشی از ما پرسید چگونه توانسته اید به المپیاک بیایید؟ من شنیده بودم که در ایران به خانمها اجازه فعالیتهای علمی نمی دهند و خانمها اصلاً از این کارها نمی کنند و یکسری ذهنیات عجیب و غریب دیگر. فکر می کنم شرکت ما تا حدی این ذهنیات را برطرف کرده باشد.

بهشتی - تیم ما بخاطر ما دو دختر خیلی زود شناخته شد و البته هیچ حساسی روی ما نمی کردند. سرپرست ما می گفت: وقتی برای دریافت مدال به جایگاه رفتیم کسانی که اطرافشان بودند خیلی تعجب کرده بودند. مثلاً یک پسر ژاپنی کنجکاو شده بود که ما از کدام کشور آمده ایم. وقتی به او گفتیم که از ایران آمده ایم، چنان قیافه ای گرفت که انگار اصلاً اسم ایران به گوشش نخورده است. موقع دریافت مدالها بیشتر به ما تبریک می گفتند.

سمپاد: آنجا مشکلی نداشتید؟

بهشتی - چرا خیلی مشکل داشتیم امسال برخلاف سالهای گذشته برای کشورهای مسلمان گوشت ذبح اسلامی آماده نکرده بودند و ما نمی توانستیم گوشت مصرف کنیم ناچار از سبزیجات استفاده می کردیم که آنها هم قابل خوردن نبودند، چون طبخ چینی بود و البته این مشکل را کشورهای اروپایی هم داشتند. ما یک مقدار غذا از ایران برده بودیم ولی کافی نبود. در شب امتحان ما را به یکی از رستورانهای بزرگ و معروف چینی بردند و ما غیر از نوشابه چیز دیگری نمی توانستیم بخوریم و سرپرست ما (خانم قابل رحمت) برای هر کس بعنوان شام یک پاکت شیر گرفتند. راهنمای هنگ کنگ کنگیمان هم می گفت شما حالا چون شب امتحان است یک چیزی بخورید ولی ما نمی توانستیم.

میرزاخانی - ما از نظر دست دادن با مردها هم مشکل داشتیم که چند بار برای خودم پیش آمد که البته با یک معذرت خواهی برطرف شد. برای دریافت مدالها دکتر رضوی (سرپرست تیم) گفته بودند که با مردها دست نمی دهیم و از این جهت مشکلی پیش نیامد.

رستمی - فقط غذا ماهی می خوردیم که آن هم به مذاق من سازگار نبود ولی وضعیت بهتری نسبت به بچه های ریاضی داشتیم. مقداری هم کنسرو برده بودیم. در مورد دست دادن دفعه های اول که به آنها دست نمی دادیم نسبت به خودشان یک بی احترامی احساس می کردند. ولی بعداً متوجه شدند که فرهنگ ما این است، به بقیه هم تذکر می دادند و رعایت می کردند. موقع دادن مدالها هم چون یک خانم مدالها را می داد برای من مشکلی پیش نیامد.

سمپاد: علایق و سرگرمیهای شما چه چیزهایی هستند؟

یاوری - به طیف وسیعی از سرگرمیها علاقه مند. ادبیات و شعر از علاقه های اصلی من هستند. در فعالیتهای اجتماعی نسبتاً قوی بوده ام و حداقل سعی کرده ام شرکت مستمر کنم. به خواندن تفسیر قرآن نیز علاقه دارم و فکر می کنم استفاده مفهومی از قرآن مهمتر است. تقریباً یک جزء از قرآن را حفظ کرده ام. هنر سینما نیز از علایق من است.

سمپاد: خانم یاوری شما با شعر هم سروکار دارید بد نیست برای خوانندگان توضیح دهید از چه موقع به شعر گفتن علاقه مند

شدید؟

یاوری - شعر گفتن من برمی گردد به سالها پیش، زمانی که خیلی کوچکتر بودم. آن موقع احساسات خودم و تأثیراتی که از محیط می گرفتم را به زبان ریتمیک بیان می کردم. البته آنها شعر نبودند ولی اولین جرقه‌هایی بودند که بعداً به اشعار من شکل دادند.

سمپاد: چه علایقی دارید؟

میرزاخانی - بعد از ریاضی که مهمترین علاقه من است و حل مسائل آن برایم یک تفریح بشمار می آید بیشتر وقتم را کتاب می خوانم. به موسیقی هم علاقه مندم البته فقط گوش می دهم، به سینما نیز علاقه دارم و اگر فیلم خوبی در سینما باشد حتماً آن را می بینم.

رستمی - به جز کتاب خواندن و ورزش سرگرمی خاصی ندارم.

بهشتی - بیشتر کتاب می خوانم. به سنتور هم علاقه دارم سنتور هم می زنم و می خواهم آن را ادامه بدهم.

سمپاد: خانم بهشتی، گویا شما قرآن هم حفظ می کنید. از چه موقع به حفظ آن پرداختید؟

بهشتی - در سال اول دبیرستان به همراه عده‌ای از بچه‌های مدرسه شروع به حفظ قرآن کردم و در حدود یک جزء و نیم حفظ هستم. متأسفانه بعداً یک مقداری درسها سنگین شد و با وجود اینکه خیلی علاقه مند بودم نتوانستم آن را ادامه بدهم. سعی می کردم که تنها به حفظ آیات نپردازم بلکه روی معانی آن هم کار کنم، از حفظ قرآن لذت می بردم و احساس آرامش خاصی به من دست می داد.

سمپاد: در چه زمینه‌هایی مطالعه خارج از درس دارید؟

میرزاخانی - تقریباً هر کتابی که به دستم برسد را می خوانم، در همه زمینه‌ها و بخصوص موضوعات مذهبی، فلسفی و اجتماعی مطالعه می کنم. به کتابهای دکتر شریعتی هم علاقه دارم.

رستمی - فیلتر خاصی برای مطالعه ندارم که این کتاب را می خوانم یا نمی خوانم ولی کتابهای شعر و رمان را دوست دارم.

یاوری - مطالعات زیادی در مورد فلسفه اسلامی، منطق، جهان بینی، تاریخ و رشته‌های دیگر علمی کرده‌ام.

بهشتی - در همه زمینه‌ها مطالعه می کنم مانند کتابهای مذهبی، تاریخ، رمان و شعر. تقریباً هر کتابی که بدستم می رسد می خوانم.

سمپاد: ورزش هم می کنید؟ چه ورزشهایی؟

رستمی - بیشتر شطرنج بازی می کنم. گاهی اوقات هم پینگ پنگ.

بهشتی - ورزش خاصی نمی کنم. ولی اگر فرصتی بدست آورم بسکتبال بازی می کنم.

یاوری - خیلی کم ورزش می کنم. ولی گاهی بسکتبال و پینگ پنگ بازی می کنم.

میرزاخانی - به شنا و بسکتبال علاقه دارم.

سمپاد: تلویزیون هم تماشا می کنید؟

میرزاخانی - بله، البته در مدت اردوی المپیاد موفق نشدم که زیاد تلویزیون ببینم. اگر تلویزیون روشن باشد من هم می بینم. از برنامه‌های تلویزیون برنامه‌های علمی و اکثر سریالها، البته اگر جالب باشند، را می بینم. از برنامه کودک فقط «کلاه قرمزی» را تماشا می کنم.

یاوری - خیلی زیاد. البته برنامه‌هایی را که می بینم انتخاب شده است. به برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، بعضی سریالها و حتی کارتون هم علاقه مندم.

بهشتی - هیچ برنامه‌ای از تلویزیون را به طور منظم نمی بینم. اگر بیکار باشم هر برنامه‌ای از تلویزیون پخش می شود می بینم.

رستمی - از برنامه‌های تلویزیون زیاد خوشم نمی آید. اگر سریال پلیسی داشته باشد شاید نگاه کنم ولی اینطور نیست که پای

تلویزیون بنشینم.

سپیداد: شما همگی بدون کنکور وارد دانشگاه می‌شوید، چه رشته‌ای را برای ادامه تحصیل انتخاب کرده‌اید؟  
رستمی - من مهندسی نرم‌افزار دانشگاه صنعتی شریف را انتخاب کرده‌ام.

یاوری - متأسفانه به اندازه کافی در مورد رشته شناخت ندارم. فکر می‌کنم رسالت مدارس ما در مقطع دبیرستان تا حد زیادی شناساندن رشته‌های دانشگاهی به دانش‌آموزان است. معمولاً دانش‌آموزان خیلی کورکورانه رشته انتخاب می‌کنند و ملاک‌هایشان از رشته‌ها ظاهری و نامناسب است به احتمال زیاد و تا اینجا که تحقیق کرده‌ام مهندسی نرم‌افزار دانشگاه صنعتی شریف تهران مناسب‌تر است.

میرزاخانی - در مورد رشته دانشگاهی هنوز تصمیم نگرفته‌ام. احتمالاً ریاضی باشد. البته این انتخاب شاید به این دلیل است که ما در طول دوره فقط ریاضی کار کرده‌ایم و به آن علاقه‌مند شده‌ایم. تصمیم دارم در یکسالی که فرصت دارم در کلاس درس دیگر هم شرکت کنم و در مورد رشته‌های مختلف اطلاعات بیشتری کسب کنم.

بهشتی - من هنوز انتخاب نکرده‌ام یکسال دیگر فرصت دارم و حالا با رشته‌ها خیلی آشنایی ندارم. اسمشان را شنیده‌ام ولی ماهیت آن را نمی‌دانم. من ریاضی را دوست دارم ولی مطمئن نیستم از بقیه رشته‌ها بیشتر به آن علاقه داشته باشم. به همین دلیل می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و درباره رشته‌های مختلف تحقیق کنم.

سپیداد: به عنوان یک فارغ‌التحصیل سازمان چه وظیفه‌ای را نسبت به دانش‌آموزان دیگر بر دوش خود احساس می‌کنید؟

یاوری - من نه به عنوان فارغ‌التحصیل سازمان بلکه به عنوان دانش‌آموزی که دوازده سال از امکانات کشورم استفاده کرده و رشد و بالندگی خود را مدیون امکاناتی هستم که متعلق به فرد فرد افراد کشور می‌باشد عقیده دارم همه دانش‌آموزان وظیفه سنگینی در قبال مردم کشورشان دارند. دانش‌آموزان ما باید به هر وسیله که می‌توانند در ارتقاء سطح فکری، فرهنگی و علمی جامعه خود مؤثر باشند، من هم سعی می‌کنم تا آنجا که می‌توانم در این ارتقاء خود را سهم کنم. در مورد مدرسه بطور خاص نیز با توجه به اینکه ما اولین فارغ‌التحصیلان آن هستیم وظیفه سنگینی برای آشنا کردن بچه‌ها با مسائل مختلف و انتقال تجربه‌هایی که داریم، احساس می‌کنم.

رستمی - این را وظیفه خودم می‌دانم که با توجه به تجربیاتی که داشته‌ایم به بچه‌های کوچکتر از خودم کمک کنم. نه فقط من بلکه تمام بچه‌های دوره ما این هدف را دارند که برگردند و به بچه‌های مدرسه خودمان کمک کنند. من هم امسال سعی می‌کنم با توجه به اینکه در کامپیوتر بیشتر از بقیه درس اطلاعات دارم به کارگاه کامپیوتر مدرسه بیایم و با بچه‌ها کار کنم.

سپیداد: چه توصیه‌ای برای بچه‌هایی که می‌خواهند در المپیادها شرکت کنند و در این زمینه مطالعه نمایند دارید؟

رستمی - باید علاقه‌شان را بشناسند و وقتی علاقه مطرح شد المپیاد نمی‌تواند به عنوان یک هدف باشد، چون وقتی المپیاد هدف می‌شود انسان زود سرخورده می‌گردد. کسی که در آن قبول نمی‌شود فکر می‌کند همه چیز تمام شده و دیگر هیچ راهی باقی نمانده است. کسی هم که قبول می‌شود تا مدتی احساس می‌کند که به هدف رسیده است ولی بعد از آن دوره المپیاد هم می‌گذرد و تمام می‌شود. اگر دنبال علاقه‌شان بروند خیلی موفق‌تر هستند و بیشتر لذت می‌برند حتی اگر در المپیاد هم قبول نشوند.

بهشتی - البته کار کردن در زمینه المپیاد بد نیست و منظور این نیست که اصلاً کار نکنند. اگر کسی علاقه داشته باشد می‌تواند در زمینه المپیاد فعالیت کند. ولی همه فکر و ذکرش المپیاد نشود. بعضی هستند که بدون هیچ‌گونه اطلاعات و فعالیت و علاقه دنبال المپیاد می‌روند و هدفشان را المپیاد می‌دانند و مسلماً این افراد موفق نمی‌شوند. هر فرد می‌تواند در دانشگاه روی علاقه خودش کار کند.

میرزاخانی - اگر بچه‌ها بخود ریاضی علاقه دارند می‌توانند مسئله حل کنند و کار کنند اما بخاطر خود این رشته، نه بخاطر قبول شدن در المپیاد. من خودم کسانی را دیده‌ام که به خاطر اسم المپیاد و تبلیغاتی که می‌شود و بیشتر از همه بخاطر این مسئله که کسانی که قبول می‌شوند از کنکور معاف هستند می‌خواهند در آن شرکت کنند. این افراد حتی اگر در المپیاد هم قبول شوند



موفق نیستند. مهم این است که بچه‌ها در هر رشته‌ای که علاقه دارند کار کنند مانند ادبیات، زبان، فیزیک، شیمی و حتی لازم نیست در بقیه دروس هم مثل درس مورد علاقه‌شان نمره خیلی خوبی بگیرند. البته من خودم اینطور نبودم یعنی در عین حال که ریاضی کار می‌کردم در دروسهای دیگر هم نمره‌های خوبی می‌گرفتم ولی نمره گرفتن با خوب درک کردن تفاوت دارد. کسی که به رشته‌ای علاقه دارد، فرضاً ریاضی، حتی اگر در المپیاد قبول نشود، چندان نباید برایش مطرح باشد که از کنکور معاف نشده است. البته اگر می‌خواهند برای المپیاد کار کنند اعتماد به نفس داشته باشند و اگر سعی و تلاش خود را بکنند و واقعاً علاقه داشته باشند قبول می‌شوند و در صورتیکه قبول نشده‌اند باز هم همان کار در آن زمینه مهمتر است، موفقیت اصلی آن است که فرد در زمینه مورد علاقه‌اش موفق شود.

یاوری - پیش از هر چیز خودشان را خوب بشناسند و رشته‌شان را با آگاهی انتخاب کنند. طوری که در آینده اگر از آنها پرسیدند چرا این رشته را انتخاب کردید، واضح و دقیق بتوانند انگیزه‌شان را بیان کنند همه چیز را در المپیاد خلاصه نکنند. تلاش برای بدست آوردن یک موفقیت علمی ارزشمند است، حتی ارزشمندتر از خود آن موفقیت. حرف خاصی که برای دانش‌آموزان دختر می‌توانم بگویم این است که متأسفانه در گذشته جامعه ما بافت سنتی داشته که به بعد عاطفی خانمها بیشتر از بعد اجتماعی آنها اهمیت می‌داده اثر آن هنوز هم هست و در حال حاضر در جامعه اکثر خانمها علی‌رغم بعد عاطفی قوی‌شان چندان بعد اجتماعی قوی ندارند. برای مقابله با این امر فکر می‌کنم خانمهای نسل ما وظیفه بسیار مهمی دارند اولاً: در بعد اجتماعی تمام توان خودشان را به کار گیرند، ثانیاً: نباید اجازه دهند که جامعه آنها را به روحیه اجتماعی صرف بکشاند و برای اینکه در توجه به بعد اجتماعی افراط نشود روحیه عاطفی خودشان را قوی نگه دارند. ما شنیده‌ایم که آقایان در هوش نظری یا تفکرات انتزاعی از خانمها قوی‌تر هستند. در صورتیکه این یک میانگین است و صرفاً متوسط جامعه آماری می‌باشد. هیچ معلوم نیست که فلان خانم از فلان آقا برتر است یا نیست. ممکن است آن آقا در ۱۰ درصد سوم یا چهارم باشد یا این خانم از نفرات برتر جنس خودش باشد. باید توجه داشت که آنقدر استعداد انسان سقف‌ناپذیر است که اگر هر کس از حداکثر توانایی خود استفاده کند مطمئن باشید کمبودی از نظر استعداد نخواهد داشت. دقت کنید اینکه میانگین هوش انتزاعی پسرها بیشتر از دخترهاست به هیچ وجه به این معنی نیست که موفقیت دخترها کمتر از پسرهاست.

اصولاً اینطور نیست که همه موفقها در بین خودشان نابغه باشند. پشتکار هم بسیار مهم است.

سمپاد: با تشکر از شرکت هر چهار نفر شما در این گفتگو و آرزوی موفقیت روزافزون برای همگی شما.



